

شهادت مقلوب در باره

شاهنشاه

رزم آرا

(۵)

امیرفیض- حقوقدان

دکتر رزم آرا

شاهد این معرکه ناهنجار آقای دکتر منوچهر رزم آرا وزیربهداری کابینه شاپوربختیار است. شاهد و معرکه گیری او حالت استثنائی معتبری دارد، او دریک مصاحبه از شاهنشاه ایران و رضاشاه کبیر تجلیل میکند و در مصاحبه ای عبارتی دارد که همراه با آفرین اختصاص به ایشان دارد یعنی فلسفه شاهنشاهی ایران را چنین تفسیر و تحلیل میکند: «سلطنت در فرهنگ و منش ایرانی مانند خورشید است که اقمار بسیاری به دور آن میگردند و اگر خورشید نباشد اقمار هم نیست» و در مصاحبه با آقای بیژن فرهودی در پناه عبارت «شاهان پهلوی کارنامه خوبی ندارند و مردم باید بدانند که اینها چه بسرشان آوردند» پنبه تجلیل و قدردانی های خود و ملت ایران را از شاهان پهلوی میزند.

عبارت ایشان که نقل شد، چقدر شبیه نوشته روزنامه پیام ایران متعلق به بختیار و نهضت اوست. ملاحظه فرمائید:

«من میخوام این اندیشه را بپروانم تا نسل جوان آگاه شوند که سلطنت پهلوی ها در طول ۵۰ سال چه ویرانی ها بیار آورده اند» (پیام ایران احمد انواری شماره ۲۴۵)

چقدر هماهنگ و هم معنای با نوشته های بختیار در جزوه مبانی اندیشه ها و مصاحبه ها و کتاب یکرنگی اوست.

آقای دکتر رزم آرا، فکر میکنم شما هم موافق باشید با این ضرب المثل که (از کوزه همان برون تراود که در اوست)

شخصیت در شهادت

قصدی نیست که با ارائه مصاحبه های متضاد ایشان شخصیت سیاسی او به گمانه زنی آورده شود و اگر این اشاره مختصر هم بمیان آمد، برای این است که نمیتوان بدون آشنائی باشخصیت شاهد به اعتبار شهادت او رسیدگی کرد، و اشاره مزبور کلیدی است برای ورود به شخصیت ایشان در نقل روایات و

شهادت و اخبار او واز آن گذشته چون درقلب شهادت درباره شاهنشاه (به روایت دربار = تهیه شده از سوی جمهوری اسلامی اشاره ای به شخصیت شهود شده است)، استثنای مورد جایز نیست.

مراتب شهادت ایشان

مراتب شهادت ایشان که در سهم این تحریر قرار گرفته سه مورد است؛ که موارد دوم و سوم آن بسیار با اهمیت است.

مورد اول - گواهی مبنی بر اینکه شاهنشاه ایران بواسطه مصرف قرص های تقویب قوای جنسی مبتلا به بیماری سرطان شده اند. (فیلم بی بی سی برای روایت دربار).

تحریر، وارد این بحث نمیشود که بر فرض صحت این خبر، افترا و اتهامی شناخته نمیشود که نیاز به اثبات بوسیله شهادت داشته باشد ولی اثبات بی اعتباری آن دقیقاً متوجه شخصیت شاهد یعنی دکتر رزم آرا می باشد.

روایت و یا شهادت ایشان بدلائل زیر مقلوب و بی اعتبار است:

★ سی و پنج سال از درگذشت شاهنشاه میگذرد؛ شاهد یعنی آقای دکتر رزم آرا نه در حیات شاهنشاه و نه در ایام بیماری و درمان در آمریکا و مکزیک و مصر ابداء دسترسی به بیمار را برای معاینه نداشته است. تصور میکنم در دنیا طبیبی را نتوان یافت که نسبت به مرگ و یا علت بیماری مریضی که معاینه نشده و ۳۵ سال هم از درگذشت آن بیمار گذشته است به خود صلاحیت اظهار نظر درباره علت بیماری بیمار را بدهد. یقین بر این است که یک طبیب با شخصیت و مسنول چنین اظهار نظرهایی را نمیکند؛ آنهم بر اساس ادعای یک فرد عادی نه پزشک.

★ ادعای دکتر رزم آرا مبنی بر اینکه بیماری و سرطان شاه بعلت مصرف قرص های تحریک کننده جنسی بوده، برای اولین بار است که در صحنه سازی فیلم (بروایت دربار) که بوسیله جمهوری اسلامی ساخته شد مطرح گردید. جای شکرش باقی است که رزم آرا به اتهام مردبازی شاه! که بوسیله یکی از عوامل جمهوری اسلامی ساخته شده استناد نکرده است. چه تفاوتی بین آن مامور بی شرافت جمهوری اسلامی با احسان نراقی که سازنده خبر و گذارنده آن به دهان دکتر رزم آرا است، میتوان یافت؟

به شهادت همان برنامه به روایت دربار دکتر رزم آرا خبر مزبور را از احسان نراقی اقتباس کرده است تصور نمیکنم شان یک طبیب در آن حد باشد که نظریه یک آدم فاسد در خدمت جمهوری اسلامی را نسبت به مسائل طبی نافذ بداند که به آن تمسک کند و این خود میتواند دلیل دیگری بر شخصیت شاهد شناخته شود.

★ اظهار نظر و شهادت آقای دکتر رزم آرا مورد تائید هیچیک از اطباءی معالج شاهنشاه چه در آمریکا و یا در اطریش قرار نگرفته و اساساً در آن مورد که آقای دکتر رزم آرا شهادت داده کوچکترین اشاره تردید آمیزی هم نشده است.

★ ژان برنارد طبیب اطریشی شاهنشاه به آقای اسد الله علم گفته است که تیمسار ایادی پزشک شاه فرق بین چاقوی جراحی را با بیلچه باغبانی نمیداند ولی نگفته است که قرص ها تقویت جنسی سبب بیماری سرطان شاه بوده است.

★ آقای ویلیام شوکراس نویسنده کتاب آخرین سفرشاه که به دقایق بیماری و درمان شاه اشارات دقیقی دارد مطلقاً به ادعای دکتر رزم آرا واحسان نراقی اشاره ای ندارد.

★ تمام محققین عقیده دارند که داروهای مصرفی شاهنشاه بعلت بیماری سرطان سبب تضعیف اراده و تصمیم گیری ایشان نسبت به وقایع کشور بوده است؛^۱ هیچیک از آنها به ادعای باطله آقای دکتر رزم آرا صحه نگذاشته اند

★ از همه مهمتر اعلیحضرت رضاشاه دوم در مصاحبه افق آمریکا بمناسبت سالگرد منحوس ۲۲ بهمن در مورد بیماری و علت مرگ شاهنشاه فرموده اند: <تجویز داروهای غلط و تشخیص و درمان غلط موجب مرگ زود رس پدرم شد> (تجویز، با داروهای تقویت جنسی فرق دارد) بنوشته علم، پرفسور برنارد و دکتر ژرژ فلاندرن نمونه های خون شاه را با خود بردند و بعداً گفتند که شاه بنوعی سرطان غدد لنفاوی مبتلا شده است.

★ دکتر بنیامین کین آمریکایی پس از معاینات لازم و مطالعه پرونده پزشکی شاه به صراحت ژرژ فلاندرن فرانسوی را مسئول پیشرفت بیماری شاه دانست و گفت تزریق کردن درست نبوده.

اگر ادعای رزم آرا درست بود دکتر بنیامین کین آمریکایی تشخیص میداد که قرص های خاص سبب گسترش بیماری شاه شده است در حالیکه تزریق کردن را تشخیص داده.

آزمایش خون هرچیز ناموزون در خون را نشان میدهد از جمله هر نوع داروی شیمایی و یا گیاهی و نیز قرص های اشتها آورجیسی، ولی می بینیم که آن پزشکان مجرب با آزمایش خون هیچ اشاره ای به ادعای آقای دکتر رزم آرا و احسان نراقی نکرده اند. شاید هم آزمایشگاه خون آقای رزم آرا احسان نراقی بوده است.

۲- ادعای فاسد بسیار مهم

ادعای دوم و سوم آقای رزم آرا مراتب عنوان شده در مصاحبه با آقای مسعود صدر است.

ادعائی که آقای دکتر رزم آرا در برنامه آقای صدر مدعی شده، اگر به ابطال کشیده نشود مسیرتاریخ شورش ۵۷ را میتواند در لفاف دروغ برای همیشه به یکی از فصول شورش ۵۷ مبدل گرداند.

ادعای ایشان چنین است (خواهش دارم بادقت بخوانید)

بختیار روز ششم ژانویه رای اعتماد گرفت اعلیحضرت روز ۱۶ ژانویه از کشور خارج شدند. اعلیحضرت همه افسران که گویا سی و چند نفر بودند با حضور بختیار را دعوت کردند و خطاب به افسران گفتند که در غیاب من از دولت بختیار حمایت و اطاعت کنند. در این وقت که بختیار بعلت کارهای مملکتی از جلسه

^۱ - هر شخصی حتا در حد قهرمان هم که به بیماری هولناکی مبتلا بشود هوش و حواس قدری پریشان می شود. یک زخم کوچک بر سر انگشت به صورتی در می آید که هر انسانی را هراسان میکند. ح-ک

خارج میشوند و افسران هم میخواستند خارج بشوند شاهنشاه به افسران میگویند بمانید کار دارم، و بعد خطاب به افسران میفرماید: <در غیاب من از ارتشبد فردوست اطاعت کنید>.

دکتر رزم آرا این واقعه ساختگی را دلیل آورده که شاهنشاه با نخست وزیران خود صادق و حتی حمایتی که از سایر نخست وزیران کردند نسبت به بختیار روا نداشتند.

حاشیه- این قسمت از ادعای رزم آرا نسبت به حمایت شاهنشاه از بختیار چون بحث مفصل دیگری است در این تحریر به آن پرداخته نمیشود و این عدم توجه رانمیتوان به قبول ادعا و اظهارات رزم آرا توجیه کرد. (پایان).

رزم آرا منبع این خبر خود را که تاکنون در هیچ جا انعکاسی ندارد اظهارات کسانی معرفی میکند که از آنان نام هم نبرده است.

بنابراین مطلبی راکه رزم آرا مدعی شده روایت از خود اوست و حتی شهادت هم نیست ارزش روایت رزم آرا رامیتوان در این بیت یافت:

هر روایت که شنیدی به هوا باز فرست کز روایت نتوان یافت حقیقت اثری

ولی در تحقیق و حقوق سیاسی نمیتوان به فلسفه بالا عمل کرد فلسفه هوگو ست که راهنمای یک انسان متفکر و مسئول است:

<هر دروغی که فاش نشود برگی از حقیقت تاریخ خواهد شد>

فساد در روایت دکتر رزم آرا

فسادی که در روایت سازی رزم آرا وجود دارد میتواند اینها باشد:

۱- به اعلامیه بی طرفی ارتش مشروعیت میدهد - زیرا بنا بر روایت ساختگی رزم آرا فردوست فرمانده ارتش بوده و فردوست هم صورت جلسه بیطرفی ارتش را امضا کرده است. ایجاد مشروعیت برای صورت جلسه بیطرفی ارتش عینا منتقل میشود بر مشروعیت شورش ۵۷ و بقیه قضایا.

۲- اتهام تسلیم دولت بختیار را از بختیار سلب میکند - زیرا بختیار فاقد قدرت قانونی و اجرایی برای مقابله با شورشیان بوده است و این درست انگیزه رزم آرا برای ساختن این روایت است تا بختیار را تیرنه کند.

۳- فرماندهی بر ارتش در غیاب شاه بوسیله دولت و بیا بودن شورای سلطنتی، دولت بختیار را موظف به جلوگیری از جریان اعلامیه بیطرفی ارتش ویا واکنش نسبت به آن میساخت ولی ساختن روایت دکتر رزم آرا بختیار و دولت او را از این اتهام بزرگ مبرامیسازد.

۴- شاهنشاه رابه یک انسان دورو و مغلظه کار معرفی میسازد که تضاد و نقیض مزبور حکم احتیاط را بر فرامین و دستورات قانونی شاه مستولی میسازد.

دلایل بی اعتباری روایت دکتر رزم آرا

**** ادعای رزم آرا به اینکه در تاریخ ششم ژانویه بختیار رای اعتماد از مجلس گرفت و شاهنشاه روز**

۱۶ ژانویه از کشور خارج شد واهی است، شاهنشاه تا تحصیل مراتب و تشریفات سنتی مشروطیت ایران برای تثبیت رای اعتماد بختیار در ایران بودند و در روز خروج از کشور تا بختیار با دریافت رای اعتماد مجلس به فرودگاه نیامد شاهنشاه در فرودگاه منتظر رای اعتماد مجلس به بختیار بودند.

تمام اخبار منتشره روزهای خروج شاهنشاه دقیقاً از سوی خبرنگاران و روزنامه نویسان منتشر شده است و فیلم ها در اینترنت موجود است. ادعای رزم آرا به اینکه ۱۰ روز قبل از عزیمت شاهنشاه بختیار از مجلس رای اعتماد گرفته بود واهی و در راه روایت سازی اختراع شده است.

**** ادعای رزم آرا به اینکه ۱۰ روز قبل از عزیمت شاهنشاه همه افسران و بختیار جمع بوده اند خبر ساختگی رزم آراست برای قافیه سازی روایت دربار.**

رزم آرا گفته است در آن جلسه که حدود ۳۵ افسر شرکت داشتند شاهنشاه و فرماندهی ارتش رابه بختیار دادند ولی بختیار که برای کارهای کشوری از جلسه رفتند و افسران هم شروع برفتن کردند شاهنشاه گفت بمانید کار دارم و بعد فرمودند که در غیاب من از فردوست تبعیت کنید.

**** هیچ محققی و یا تاریخ نویسی درباره شورش ۵۷ از داستان سازی رزم آرا کلمه ای در میان ندارد؛ داستانی که رزم آرا ساخته است ظاهرش هم مانند گور کافر پرخلل است؛ در جلساتی که شاهنشاه حضور دارند اول شاه باتشریفات خاص جلسه را ترک میفرمایند و بعد حاضرین نه اینکه بنابر داستان رزم آرا اول بختیار و سپس افسران جلسه را ترک کنند و شاهنشاه مانع ترک افسران بشوند و آن داستان دروغین مبنی بر نسخ فرمان تبعیت از دولت بختیارا به افسران ابلاغ کنند.**

**** خبری که رزم آرا ساخته مبنی بر واگذاری فرماندهی ارتش به فردوست آنهم بلافاصله بعد از واگذاری**

فرماندهی به بختیار آنهم با حضور ۳۵ افسر ارتش چیز کوچکی نیست و نمیتوان باور کرد که افسران مخالف شاه که در خارج از کشور سخت فعالیت میکردند و از کاهی کوهی علیه شاه و ارتش میساختند از این خبر اگر واقعیت داشت آگاه نشده بودند و این در حالی است که کوچکترین مطلبی در مورد مزبور انتشار نیافته است.



**** ارتشبدیه قره باغی که بسیار کوشید و از هرگونه شایعه و یا خبری برای تبرئه**

خودش استفاده کرد و کتابی هم نوشت ابا به این موضوع اشاره ای نکرده درحالیکه این خبر در صورت صحت همانطور که عرض شد از اسباب مسلم تبرئه قره باغی است.

**** آقای لیمونادی در برنامه تلاس صد ساله بیان شاهنشاه را در مورد ارتش بقرار زیرخواند:**

محمد رضاشاه خطاب به ارتشیان گفت: «وظیفه شماست که از دولت قانونی تبعیت کنید»

**** شهادت علیاحضرت - علیاحضرت در مصاحبه با جمشید بزرگمهر بی بی سی فرمودند:**

«وقتی اعلیحضرت میرفتند به ارتش دستور دادند که «بهر صورت بختیار نخست وزیر است و باید ارتش با نخست وزیر همکاری کند» (مصاحبه ۱۹ مرداد ۱۳۹۰)

**** خود بختیارچندین بار گفت و در روزنامه اطلاعات آزمان هم درج شد که «هیچکس بدون اجازه من در ارتش حق اقدامی را نخواهد داشت» این اظهارات بختیار مصادف با زمانی بود که شایعه کودتای ارتش در میان آمده بود.**

**** بختیار پس از خروج از کشور در مصاحبه با باشگاه روزنامه نگاران پاریس در عبارت «من ارتش را از یکپارچگی ساقط کردم که حمام خون نشود» خود را فرمانده ارتش میدانست.**

با منبری آقای صدر

این تحریر ناقص است اگر خواننده از واکنش آقای مسعود صدر طرف مصاحبه با دکتر رزم آرا آگاه نشود. آقای مسعود صدر پس از شنیدن اظهارات دکتر رزم آرا و قدری تعریف و تجلیل از رزم آرا و خودشان یکسره تمام اظهارات دکتر رزم آرا را تائید و گفتند «مگر میشود گفته ها را کنار گذاشت خوب شاه این را گفته است. شما به تاریخ ایران حرمت گذاشته اید» آقای مسعود صدر شامدر آن برنامه، مصاحبه کننده بودید یا قاضی.^۲

روایت واهی سوم

روایت واهی سوم دکتر رزم آرا این است که بختیار امید زیادی به ارتشید فریدون جم داشت و از او دعوت کرد که از لندن به تهران بیاید؛ جم به ایران آمد ولی شاه او را از همکاری با دولت بختیار منصرف کرد. بهترین گواه و دلیل بر بیهوده گویی دکتر رزم آرا اظهارات خود ارتشید فریدون جم است.

^۲ - مسعود صدر همانند خیلی های دیگر نخست از راهی وارد شده است تا قدری اعتماد مردم را جلب کند پس از آن تیشه و تیری را که با ساده لوحی مردم بدست آورده است در هر قطعه شعر «بی قافیه و وزنش» و در گفته هایش به ریشه درخت تاریخ ایران زده و در هر برنامه اش به ترتیبی خمینی و قدرت فایق اسلام را به رخ کشیده است. تنها مردم ساده لوح به «کف» های این تبلیغات نگاه میکنند. ح-ک

دو هفته قبل از درگذشت جم آقای لیمونادی در برنامه تلاش صد ساله گفتگویی با فریدون جم داشته که واهی و ساختگی بودن ادعای رزم آرا را ثابت میکند.

جم گفته: «وقتی به ایران آمدم رفتم حضور شاه و عرض کردم شما که مرا رانده اید حالا برای چه مرا خواسته اید؟ فرمودند من شما را احضار نکرده ام بختیار خواسته است شما را ببیند؛ من گفتم بختیار را نمی شناسم و..... بعد عرض کردم حالا اعلیحضرت تصمیم دارند که در نقش وزیر جنگ تجدید نظر فرمایند، اعلیحضرت فرمودند نه وزیر جنگ همان اختیارات سابق را خواهد داشت و اضافه کردند که قبل از برگشت از کشور با بختیار هم ملاقات کنید.» ارتشبد جم در همان برنامه گفته است: «در مشورت با فردوست ایشان صلاح ندانستند و من هم از بختیار خدا حافظی کردم و به لندن برگشتم»

در کتاب فردوست بطور مفصل ماجرای مشورت ارتشبد جم با فردوست با حضور قره باغی و سرلشگرناظم ذکر شده است)

ملاحظه میفرمائید که رزم آرا چگونه جای فردوست و شاهنشاه را عوض کرده است تا همه تقصیرات و کوتاهی ها را به گردن شاهنشاه بیاندازد.

وقتی بنده برنامه های مصاحبه آقای دکتر رزم آرا خاصه با امید دانا را دیدم و برنامه مصاحبه با آقای صدر و فرهودی و عباسی را هم شنیدم به این برداشت همراه با نارضایتی رسیدم تا آهسته زیر گوش آقای دکتر منوچهر رزم آرا بگویم:

جو دزدی با چراغ آید گزیده تربرد کالا